

برخی از مورخان و تذکره‌نویسان جنید شیرازی را هم‌نام با شیخ صدرالدین جنید شیرازی، که هم‌شهری و معاصر او نیز بوده، اشتباه گرفته‌اند. صدرالدین جنید شیرازی در سال ۷۹۱ ق درگذشته است (اثر آفرینان، ذیل مدخل) و شرح حال او را معین‌الدین جنید شیرازی در کتاب شدالازار آورده است و کتاب‌های نقاوة الاخیار فی شرح احادیث النبی المختار و ذیل المعارف فی ترجمه العوارف را به او نسبت داده است. فرصت شیرازی در آثار العجم آورده است که مشخص نیست مزار جنید، در محله دزک، دقیقاً متعلق به کدام جنید است. لوح نوشته‌های سنگی آن به کلی مخدوش است و شاید هم متعلق به هیچ‌یک از آن دو نباشد.

آثار به‌جا مانده از جنید بدین قرار است:

۱. شدالازار فی حَظِّ الازار، جنید این کتاب را در شرح احوال ۳۱۵ تن از بزرگان و مشاهیر شیراز به عربی نوشته است که ۲۲ تن آنان از خاندان خود جنیدند. آخرین کسی که، در این اثر، از او یاد شده سعدی شیرازی است. هدف وی از تألیف این کتاب آن بوده که راهنمایی باشد برای زیارت مقابر بزرگانی که در شیراز مدفون بوده‌اند. مؤلف در این اثر، گورستان‌ها و مواضع زیارت را به هفت دسته تقسیم کرده تا زائران هر موضع را در روزی معین از هفت روز هفته زیارت کنند و بدانند که هر یک از آنها در چه سالی از دنیا رفته‌اند و کجا دفن شده‌اند. این کتاب در زمینه تاریخ و شرح حال رجال و ذکر آثار آنان و از کتاب‌های بسیار مهم و معتبر است؛ زیرا، مؤلف در گردآوری مطالب از کتاب‌ها و اطلاعات محلی موثقی استفاده کرده است و چه‌بسا اگر این کتاب نبود، امروز درباره این رجال اطلاعات چندانی در دست نبود (صفا، همان، ص ۱۰۶۰).

شیخ الاسلام معین‌الدین جنیدبن محمود عمّری قرشی شیرازی، متخلص به «جَنید»، شاعر، عارف، عالم، واعظ، و محدث بزرگ قرن هشتم هجری قمری است. از زندگی جنید اطلاع چندانی در دست نیست؛ فقط درباره او گفته‌اند که خاندانش از خاندان‌های مشهور شیراز بوده و مدت ۲۰۰ سال این شهرت را حفظ کرده‌اند. هجده تن از مرد و زن این خاندان در تاریخ مشهورند و دانشمندان و واعظ بزرگی از میان آنان برخاسته‌اند.

علت اشتهار این خاندان به عمّری این بود که همواره نسب خود را به عمر بن خطاب، خلیفه دوم، می‌رساندند و به همین سبب، افراد این خاندان به نسبت خود عناوین عمری، عدوی، ربّعی، و قرشی را می‌افزوده‌اند (صفا، ج ۳، ص ۱۰۵۹).

نخستین کسی که از این خاندان به شیراز رفت و متوطن شد شیخ زین‌الدین مظفر بن روزبهان (متوفی ۶۰۳ ق)، جد پنجم جنید، بود. او در مسجد جامع عتیق شیراز وعظ می‌کرد و این مجلس برای اعقابش باقی ماند. شرح حال او را جنید در اثرش، شدالازار، ذکر کرده است. پس از جد پنجم جنید، غالب بزرگان این خاندان، که از مقام علمی و عرفانی بالایی برخوردار بودند، در شیراز حرمت و عزت یافتند و از واعظان آن دیار شدند. جنید شیرازی نیز در مسجد جامع عتیق به وعظ می‌پرداخت و در ابیاتی به واعظ‌بودن خود اشاره کرده است (همان، ص ۱۰۶۰).

جنید سال‌ها در تعارض بین عقاید دینی و اندیشه‌های عرفانی زندگی کرد. او در حدود سال ۸۰۰ ق از دنیا رفت. گفته‌اند که مزار جنید در صحن مسجد حاجی باقر، در محله دزک در نزدیکی حمام جنید، است.

علی اکبر ولایتی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیر کبیر، ISAM DN. 260935

19 MAR 2004

MADE IN INDIA
SONRA GELİRİ JUKUNMAN

چنید شیرازی، چنید بن محمود (سده ۸)

۴۷۰- دیوان معین الدین چنید شیرازی

به کوشش احمد کرمی (۱۳۰۱-)، تهران: ما، چاپ

اول / ۱۰۰۰ نسخه، ۱۸۴ ص، فارسی، رقعی (گالینگور)،

بها: ۱۰۰۰۰ ریال، سند: ۱۶۵-۱۶۹.

شابک: X-۴۹-۵۵۱۰-۹۶۴

کنگره: PIR۵۴۱۷/D۹

کد پارسا: BY-۴۵۱

☐ دیوان‌ها و مجموعه‌های شعر - فارسی -

☐ دیوان‌ها و مجموعه‌های سده هفتم-نهم

☐ دیوان قصاید و غزلیات چنید شیرازی، شاعر

قرن هشتم است که به ترتیب حروف الفبا ارائه شده

است. در ابتدای کتاب، مقدمه‌ای از سعید نفیسی در

معرفی شخص دیگری به همین نام و از علما و عرفای

قرن هشتم آمده است. انتهای دیوان حاوی چند تصویر

از نوشته‌های چنید، در بیاض مشهور تاج الدین احمد

وزیر است.

MADE IN INDIA

Gunaid b. Maḥmūd b. Muḥammad

1. *Ḥadā'iq al-anwār wa-badā'ī al-aš'ār* (verf. 790)/Hilāl Nāgī/

B. 1995 *CŪNEYD-I SIRAZI?*

MADE IN INDIA

- CŪNEYD-I SIRAZI

87-931898

Micro- Junayd Shīrāzī, fl. 1300-1388.
fiche [Shadd al-izār. Persian]
87/ Taḡkirah-i hazār mazār ; tarjanah-'i Shadd
59653 al-izār = Mazārāt-i Shīrāz / bi-qalam-i 'Isā
ibn Junayd Shīrāzī ; bih taḡhīh va taḡshīyah-'i
Nūrānī Viṣāl. -- Chāp-i 1. -- Shīrāz :
Intishārāt-i Kitābkhānah-i Aḥmadi, 1364 [1986]
14, 520 p., [8] p. of plates ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Running title: Multamīs al-aḥibb' = Hazār
mazār.
Translated from Arabic.
Translation of Shadd al-izār.
Includes indexes.
(Biographical sketches of early Muslim saints
from Shiraz, Iran; includes explanatory notes
by Nūrānī Viṣāl)

۱۸۹۴-۱۳۹۳

با وجود کثرت سپاه، شکست خوردند و جنید با پیروزی وارد سمرقند شد (همانجاها). وی چند ماهی در آن شهر درنگ کرد و چون آگاهی یافت که ترکان رو به سوی بخارا کرده‌اند، به رغم مخالفت برخی از فرماندهان سپاه، پدان سوی رهسپار شد (طبری، ۸۱۷-۸۲). در نبردی که در کرمینیه (۱۲ فرسنگی بخارا، نک: یاقوت، ۲۶۸/۴)، میان دو سپاه روی داد، ترکان بار دیگر شکست خوردند و روی به هزیمت نهادند (طبری، ۸۳۷/۷). اما به روایت ابن اعثم، جنید پس از نبرد سمرقند، به مرو رفت و از آنجا در نامه‌ای اختیار پیروزیهای خود را همراه هدایایی، به خلیفه رسانید (۳۱۷/۴).

به نظر می‌رسد که این نبردها تا سالها بعد، ماوراءالنهر را از یورش و غارت ترکان در امان داشت و چون در ۱۱۵/ق ۷۳۳م در خراسان قحطی بروز کرد، چنان‌که جنید خود تصریح کرده است، بخارا از آسیب آن محفوظ ماند (طبری، ۹۲۷/۷). روایت‌هایی نشان می‌دهد که جنید، نسبت به داعیان ضد اموی، سخت‌گیر بود و برخی از ایشان را به تیغ سپرد (همو، ۸۸۷/۷؛ نیز نک: دینوری، ۳۳۵-۳۳۷).

جنید در مرو بر اثر بیماری درگذشت (بلاذری، انساب، ۱۰۲/۱۳، فتوح، ۴۲۹؛ طبری، ۹۲۷-۹۳/۷) و در مرگ او مرتبه‌هایی سروده شد (همو، ۹۳۷-۹۴؛ ابوالفرج، ۴۲۲/۲۰). به روایتی خلیفه به سببی از او رنجیده، و اندکی پیش از مرگ وی، از حکومت عزلش کرده بود (طبری، ۹۳۷/۷؛ ابن اثیر، ۱۸۲/۵). جنید را مردی بخشنده و گشاده دست وصف کرده‌اند (بلاذری، انساب، همانجا؛ صدقی، ۲۰۵/۱۱).

مآخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیرازی، بیروت، ۱۴۱۵/ق ۱۹۹۵؛ ابن قتیبه، احمد، البلدان، به کوشش یوسف هادی، بیروت، ۱۴۱۶/ق ۱۹۹۶؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، به کوشش سمیر جابر، بیروت، دارالفکر؛ اخبار الدولة العباسیه، به کوشش عبدالعزیزدوری و عبدالجبار مطلی، بیروت، ۱۹۷۱م؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷/ق ۱۹۹۶م؛ همو، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۳م؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۰م؛ دینوری، احمد، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۵۹م؛ صدقی، خلیل، الوافی بالوفیات، به کوشش شکر فیصل، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۷م؛ طبری، تاریخ، کلبی، هشام، جمهره النسب، به کوشش ناجی حسن، بیروت، ۱۴۰۷/ق ۱۹۸۷م؛ گردیزی، عبدالحی، زین‌الآخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۴۷ش؛ نسفی، عمر، القند فی ذکر علماء سمرقند، به کوشش یوسف هادی، تهران، ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م؛ یاقوت، بلدان؛ یعقوبی، احمد، تاریخ، به کوشش هوتسما، لیدن، ۱۹۶۹م؛ نیز:

Bloch, N.A., introd. and notes *Fathnamah-i Sind*, Islamabad, 1983; Elliot, H.M., *The History of India*, Lahore, 1979. علی بهرامیان

جنید شیرازی (د پیس از ۸۰۰/ق ۱۳۹۸م)، معین‌الدین ابوالقاسم بن محمود، شاعر پارسی‌گوی، نویسنده و از واعظان شیراز در سده ۸/ق ۱۴م.

تقدیم هدیه‌ای گرانبها - به احتمال بسیار از جواهرات هند - به خلیفه و همسرش، توانست با جلب نظر ایشان، بار دیگر حکومت خراسان را از آن خویش کند (طبری، ۶۷۷/۷؛ برای انتصاب او، نک: خلیفه، ۵۰۲/۲؛ بلاذری، همان، ۴۲۹، انساب، ۱۰۲/۱۳؛ گردیزی، ۱۱۵).

شرح فعالیت‌های جنید در نواحی خراسان و ماوراءالنهر را طبری (همانجا) از ابوالحسن مدائنی (د ۲۲۵/ق ۸۴۰م) - که کتابی در باب فتوح خراسان و دوره حکمرانی جنید بن عبدالرحمان داشته است (نک: ابن ندیم، ۱۱۵) - نقل می‌کند، اما بلاذری (د ۲۷۹/ق ۸۹۲م)، مطلبی را به صراحت از ابوعمیده معمر بن مثنی (د ۲۱۰/ق) - که اثری با عنوان کتاب خراسان داشته (ابن ندیم، ۵۹) - آورده است (فتوح، همانجا). روایت ابن اعثم که به طور معمول به مأخذ خود اشاره نمی‌کند، با گزارش مدائنی اختلافاتی دارد (نک: دنباله مقاله).

به روایتی، جنید بی‌درنگ رو به سوی ماوراءالنهر نهاد و در حوالی بیکند، در غرب بخارا، که عامل پیشین خراسان، اشرس ابن عبدالله سلمی، در آنجا از ترکان به سختی شکست خورده بود (نک: ابن اعثم، ۳۰۷/۴)، توانست لشکر عظیم ترکان را با دشواری بسیار شکست داده، پسر یا برادرزاده خاقان را به اسارت درآورد (طبری، ۶۷۷/۷؛ نیز نک: بلاذری، همانجا). آن‌گاه کسانی را بر شهرهای بلخ، بخارا و هرات گماشت و خود پس از درنگی کوتاه در ترمید، به مرو، تخته‌گاه خراسان درآمد (طبری، ۶۸۷/۷-۶۹).

اما روایتی دیگر نشان می‌دهد که نخستین نبرد میان جنید و ترکان، در کنار رود بلخ در ۱۱۲/ق ۷۳۰م اتفاق افتاد و جنید از آنجا به مرو رفت (ابن اعثم، ۳۰۷/۴؛ نیز نک: طبری، ۷۱۷/۷) و سال بعد، بار دیگر به ناحیه بلخ بازگشت (ابن اعثم، همانجا). به هر حال، جنید از بلخ قصد نفوذ در طخارستان داشت و سپاهیان او در این مناطق به پیروزیهایی نیز دست یافته بودند (طبری، همانجا؛ ابن اعثم، ۳۰۸/۴). اما ترکان در این زمان جبهه دیگری در نواحی سمرقند گشوده بودند و عامل جنید، سوره بن خردارمی را تاب نبرد با ایشان نبود (طبری، همانجا). سرانجام جنید به رغم توصیه سرداران خود دایر بر احتراز از پیشدستی در جنگ و شتاب‌زدگی، عنان به سوی سمرقند گردانید (همو، نیز ابن اعثم، همانجاها). از آن سوی، سوره به دستور جنید، که گویا قصد داشت از دو سو به ترکان هجوم آورد، از سمرقند بیرون آمد، اما ترکان با تپاه کردن راه‌های اصلی و درگیری‌های پراکنده، عملاً موجب تأخیر جنید شدند و سوره و اصحابش را از پای درآوردند (طبری، ۷۲۷-۷۲۸؛ ابن اعثم، نیز خلیفه، گردیزی، همانجاها؛ نسفی، ۲۳۱).

سمرقند در محاصره ترکان بود که جنید و سپاهیان از راه رسیدند و در نبرد سنگینی که بر دروازه شهر روی داد، ترکان

030666

CÜNEYD-i ŞİRÂZÎ

1 ÇETİN KASKA, Cüneyd-i Şîrâzî divanı (Metin-inceleme), İstanbul Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2012